

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

والنتین کاتسونوف (Valentin Katasonov)*

برگردان از: ا. م. شیری

۰۶ فیروزی ۲۰۱۳

اطلاعات تکانه‌دهنده در باره سوداگری بانکی بین المللی

ورودی: یک ضرب المثل روسی می‌گوید: «آنکس می‌رقصد که موسیقی را سفارش می‌دهد». لطفاً مقاله حاضر را ملاحظه فرمائید تا ببینیم، سرچشمه و منبع الهام این همه تشکلهای جمعیتها و سازمانهای «غیردولتی»، «حقوق بشری»، «دمکراسی خواهی» و نظائر آنها کجاست و سفارش دهنده جنگها و تهاجمات «بشردوستانه» به کشورهای مختلف و همچنین، بحث و جدلها پیرامون آنها و دمکراتها و «دیکتاتورها» کیست (یا کسینند) و در این اوضاع بلبشوی جهان، چه کس (یا کسان) می‌رقصد.

«مترجم»

کمیته ثبات مالی (Financial Stability Board) متشکله در اجلاس اپریل سال ۲۰۰۹ گروه بیست در بحیوۃ بحران مالی جهانی در لندن، در پایان سال ۲۰۱۲، گزارشی از "عملیات سایه" بانکها و دیگر سازمانهای مالی در سراسر جهان منتشر ساخت.

در این گزارش ابعاد "عملیات سایه" سال ۲۰۱۱ مورد ارزیابی قرار گرفته است. حجم عمومی این عملیات، ۶۷ تریلیون دالر برآورد می‌شود، که خود این، از تولید ناخالص داخلی تمام جهان در همان سال بیشتر است. این رقم حیرت آوری است و تصورات ما از ساختار و سامانه اقتصادی همه جهان را به طور بنیادی تغییر می‌دهد...

ابعاد "عملیات سایه" بانکها سال به سال گسترش می‌یابد. اولین برآورد به سال ۲۰۰۲ مربوط می‌شود: ۲۶ تریلیون دالر. در آستانه بحران مالی جهانی (سال ۲۰۰۷)، حجم عملیات سایه به ۶۲ تریلیون دالر رسید. بعقیده بسیاری از کارشناسان، برآستی که گرایش هر چه بیشتر بانکها به سوی «سایه»، بی ثباتی نظام مالی جهان را تشدید می‌کند و به «زمین مغزی» برای تکرار بحرانهای جهانی تبدیل می‌شود. در واقع، مؤلفین گزارش با برآوردها و نتیجه گیریهای خود و با تأیید این که سهم "عملیات سایه" در گردش عمومی نهادهای مالی از سال ۲۰۰۷ افزایش نمی‌یابد، سعی می‌کنند برخی خوش بینی‌ها را القاء کنند. اما طبق برآورد کمیته ثبات مالی، این میزان در سال ۲۰۱۱، ۲۵ درصد مجموع گردش پولی همه نهادهای بانکی و مالی جهان را تشکیل می‌داد. سهم سایه ای بخش بانکی و شرکتهای مالی بر اساس شاخص دارائی‌ها نیز تقریباً همین میزان را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، سهم بخش «سایه» از معاملات مالی-بانکی جهان به یک چهارم، به یک کمیت بسیار عظیم رسیده است.

در گزارش گفته می شود، که نهادهای مالی امریکا به لحاظ ابعاد عملیات سایه (۲۳ تریلیون دالر) در این عرصه پیشتر از هستند. نهادهای مالی کشورهای اروپائی عضو حوزه یورو (با ۲۲ تریلیون دالر) در جایگاه دوم قرار دارند و جایگاه سوم را مؤسسات مالی انگلیس (با ۹ تریلیون دالر) بخود اختصاص می دهند. بدین ترتیب، ۱۳ تریلیون دالر باقیمانده، سهم سازمانهای مالی همه بقیه کشورهای جهان (جاپان، کانادا، استرالیا، بیش از دهها کشور اروپائی، چین، هندوستان، روسیه، برزیل و همه کشورهای در حال توسعه) می باشد.

آنچه به روسیه مربوط می شود، بانکداری «سایه» آن را بسیاری از کارشناسان در سطح متوسط بین المللی: ۲۵-۳۰ درصد در گردش و دارائی بانکداری سفید ارزیابی می کنند. دارائی نظام بانکی روسیه، طبق داده های بانک مرکزی روسیه، ۴۷ تریلیون روبل (۵/۱ تریلیون دالر) و دارائی بانکداری «سایه» آن، ۱۲-۱۴ تریلیون روبل (۳۸۰-۴۴۰ میلیارد دالر) برآورد می شود.

امریکا و انگلیس- منطقه اصلی بانکداری سایه

ارقام مندرج در گزارش کمیته ثبات مالی در متن اظهارات دائمی دولتمردان و سیاستمداران غرب مبنی بر اینکه بخش اصلی «اقتصاد سایه» جهان در خارج از مسکن بومی «میلیاردرهای طلائی» قرار دارد، بسیار قابل تأمل است. از همین گزارش چنین برمی آید که، علی الظاهر، بیش از ۹۰ درصد همه دادوستد مالی- بانکی در جهان توسط سازمانهای ثبت شده در منطقه «میلیاردرهای طلائی» انجام می شود. به همین سبب، در لیست سیاه گروه بررسی اقدامات مالی برای مبارزه با پولشویی (گروهی که در چهارچوب سازمان همکاری اقتصادی و توسعه فعالیت می کند و به مسائل مبارزه با اقتصاد سایه و پولشویی مشغول است)، در وهله اول نام کشورهایی مانند امریکا و انگلیس می بایست قید شود.

بالاترین میزان «عملیات سایه» بانکی- مالی در برخی مراکز مالی و کشورهای دارای شناسه های پیرامونی قید شده است. مبادلات نهادهای مالی- بانکی در هنگ کنگ، ۵۲۰ درصد و در هالند، ۴۹۰ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. لازم به یادآوری است که وزن «عملیات سایه» بانکی- مالی در کل جهان در سال ۲۰۱۱، بر اساس گزارش کمیته ثبات مالی، ۸۶ درصد (طبق برآوردهای ما، ۹۶ درصد) تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می داد. در متن شاخص متوسط جهانی دو کشور انگلیس، با ۳۷۰ درصد و ایالات متحده امریکا، با ۱۵۰ درصد با وضوح بیشتری به چشم می خورد. بخش اصلی درآمد آنها از محل «عملیات سایه» بانکها و سازمانهای مالی تأمین می شود. در ایالات متحده امریکا، مثلاً، سهم بخش مالی از حجم کل درآمدهای شرکتهای فعال در همه عرصه های اقتصادی در نیمه اول قرن بیستم، ۱۰ درصد، در سالهای ۷۰ قرن گذشته، ۲۰ درصد بود و هم اکنون به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. میزان رشد بانکداری سایه در قاره اروپا (منهای هالند) ناچیز است.

نگاه نویسندگان گزارش به «عملیات سایه» همانطور است که از میدان دید ارگانهای تنظیم و کنترل کننده (ناظران) دیده می شود. چرا بزرگترین حجم «عملیات سایه» در ایالات متحده امریکا ثبت شده است؟ برای این که به باور نویسندگان گزارش، در اینجا در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون، مقررات آزادی عملیات مالی بانکها و دیگر نهادها برقرار شد. پیش از همه، قانون گلاس- استیگال، که مؤسسات اعتباری- وام دهی (بانکهای تجاری) را از انجام عملیات سرمایه گذاری مخاطره آمیز به حساب وجوه سپرده منع می کرد، لغو گردید. بر اساس این قانون که در سالهای ۱۹۳۰ در شرایط شروع بحران در امریکا تصویب شده است، عملیات سوداگرانه مخاطره آمیز با اوراق بهادار از حوزه اختیارات بانکهای به اصطلاح سرمایه گذاری (کارگزاران سرمایه گذاری) خارج گردید. تنظیم کنندگان مالی در مقابل عملیات سوداگرانه این قبیل بانکها مسؤول نبودند، مسؤول همه مخاطرات، سرمایه گذاران شناخته می شدند. لغو قانون

گلاس- استیگال و تضعیف برخی موازین دیگر تنظیم کننده امور مالی در دوره بیل کلینتون بدان منجر شد که وجوه سپرده گذاران از بانکها به بازارهای سهام منتقل شدند. این درحالی بود که ناظران بانکی از «دیدن» طیف گسترده عملیات بانکی عاجز ماندند و بخش بزرگی از عملیات در نظر چنین ناظرانی پنهان ماند. همه اینها شروع بحران مالی را ابتداء در امریکا و سپس، در خارج از محدوده آن را تسریع کرد.

بانکداری سایه در امریکا بر اساس داده های فدرال رزرو

ارزیابی بخش مربوط به امریکای گزارش کمیته ثبات مالی را می توان با افزودن آخرین ارقام آماری فدرال رزرو امریکا تکمیل نمود. بر اساس داده های فدرال رزرو، مجموع دارائیهای مؤسسات سپرده گذاری امریکا (به عبارت ساده تر، بانکهای تجاری) در پایان سه ماهه سوم سال ۲۰۱۲، ۱۴/۷۶ تریلیون دالر، یعنی، تقریباً برابر با تولید ناخالص ملی کشور بود. به این ترتیب، وامهای مؤسسات سپرده گذاری شامل ۲/۱۸ تریلیون دالر و ابزارهای اعتباری بازار این چنین مؤسسات سپرده گذاری ۱۱/۲۹ تریلیون دالر بود. ابزارهای اعتباری بازار عبارت از اوراق مختلف بدهی در گردش، هم در بازارهای بورس و هم در خارج از آن می باشد. قدرتهای پولی ایالات متحده امریکا فقط بخش کوچکی از عملیات فعال بانکهای امریکائی مرتبط با وام دهی سنتی را ردگیری می کنند. کمیسیون اوراق بهادار امریکا عملیات با اوراق بهادار در بازارهای بورس را کم و بیش زیر نظر دارد، اما آنچه که در خارج از آنها روی می دهد، در میان مه غلیظ، به سخن دقیق تر، در سایه باقی می ماند.

لازم به ذکر است که بخش قابل ملاحظه ای از عملیات بانکهای امریکائی در رابطه با اوراق بهادار، به طور کلی در اسناد آنها منعکس نمی شود. در اینجا دو گزینه وجود دارد.

گزینه اول: بانکها بخشی از معاملات خود را در خارج ترانزنامه یا خارج از ترانزنامه طبقه بندی شده قید می کنند و از آنها، نه تنظیم کنندگان، نه مشتریان و نه شرکای این بانکها هیچگونه اطلاعی ندارند. آزادسازیهای زمان بیل کلینتون، فرصتهای استفاده گسترده از چنین فریبکاریهای حسابداری را هم برای بانکها و هم برای شرکتهای فعال در بخشهای دیگر اقتصادی فراهم آورد. مدت زمان کوتاهی پس از آن، که به کاربرد چنین فریبکاریها چراغ سبز نشان داده شد، ورشکستگی شرکت انرژی «انرون»، که حسابداری دوگانه و حتی سه گانه انجام می داد، اتفاق افتاد.

گزینه دوم: بانکها، شرکتهای «جیبی» استثناء ویژه انجام معاملات با اوراق بهادار تأسیس می کنند؛ معاملات مربوطه در ترانزنامه چنین بانکهای «جیبی» قید می شود.

بر اساس داده های نظام ذخیره فدرال امریکا، حجم کل معاملات به اصطلاح ابزارهای اعتباری بازار در پایان سه ماهه سوم سال ۲۰۱۲، به مبلغ ۳۸/۸۳ تریلیون دالر رسید. به این ترتیب، در خارج از محدوده بانکها، که به طور شرطی می توان وابسته به اقتصاد سفید دانست، هزاران و هزاران شرکت و مؤسسه فعالیت می کنند که اوراق بهادار مجموعاً به ارزش ۲۷/۵۴ تریلیون دالر به گردش انداخته اند. این مبلغ، در مقایسه با تولید ناخالص ملی ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۲، تقریباً برابر ۱۷۵ درصد آن می باشد. در همان نگاه اول به این رقم، می توان ابعاد بانکداری سایه در امریکا را برآورد نمود و ارزیابی کمیته ثبات مالی از بانکداری سایه در امریکا (۱۵۰ درصد تولید ناخالص ملی) را می توان بسیار محافظه کارانه دانست.

مکانیک بانکداری سایه

بدین ترتیب، عملیات مؤسسات مالی- بانکی که به کمک شرکت کنندگان سوداگریهای سایه از حوزه دید سازمانهای نظارتی پنهان می ماند، کاملاً قانونی می شود. از میان چنین نهادهای قانونی، توجه ویژه ای به صندوقهای تأمیناتی،

صندوقهای همیاری و انواع صندوقهای سرمایه گذاری مبذول می شود که تقریباً ۱۰۰ درصد از میدان دید ناظران مالی خارج می شوند. همچنین، همه شرکت‌های عرصه های مختلف اقتصادی بسیار فعال در سوداگریهای بازارهای سهام جزو این بخش محسوب می شوند (فعالیت‌های تجاری- تولیدی آنها یا نقش پوشش و یا نقش تابع را بازی می کنند). اگر چه انواع مختلف بنیادها و شرکتها ظاهراً با نظام بانکی مرتبط نیستند، ولی عملاً ادامه این نظام هستند و نقش ابزار بزرگترین بانکهای بین المللی را بازی می کنند.

نظام بانکی سایه (بانکداری سایه) در واقع عبارت از همان فعالیت سرمایه گذاری بانکی در چهارچوب قوانین جاری، منتها تحت پوشش شرکت‌های واسطه (صندوقها و تراستهای تأسیس شده در جنب شرکتها) می باشد. این واسطه ها، علی الظاهر، از حق جذب سپرده های مردم برخوردار نیستند و مجوز بانکی هم ندارند. در بقیه موارد، فعالیت آنها چندان تفاوتی با فعالیت‌های یگانهای سرمایه گذاری بانکها ندارد. استفاده از چنین «اسبهای تیره»، انعطاف پذیری ارائه خدمات مالی را به حساب آنچه که آنها عملاً خارج از کنترل تنظیم کنندگان هستند، به طور محسوسی افزایش می دهد.

بانکداری سایه که در گزارش کمیته ثبات مالی مورد بررسی قرار گرفته، با عملیات کلاسیک «سایه» بانکها تفاوت دارد. عملیات معاصر مجموعه اقداماتی نظیر «شستن» پولهای «کثیف»، انتقال پولهای غیرنقدی به صورت نقدی به منظور ارائه خدمات به انواع اقتصاد سایه، انتقال درآمدها به مناطق پیرامونی بنا به اطلاعات سازمان سیا، تأمین بودجه تروریسم و رشوت خواری را در خود جمع می کند و حجم چنین عملیات «کلاسیک» بانکها در سراسر جهان، ۳-۴ تریلیون دالر است. (ضمناً، لازم به ذکر است که گردش سالانه این قبیل "عملیات سایه" کلاسیک بانکها در روسیه، در حدود ۱۰۰ میلیارد دالر برآورد می شود). "عملیات سایه" کلاسیک بانکها عبارت از آن است که در صورت تقلب، بانکداران مسئولیت قانونی، اغلب جنائی در قبال آن دارند. بانکداری سایه مورد بحث گزارش کمیته ثبات مالی، به زمره معاملات قانونی تعلق دارد.

کمیته ثبات مالی بر این باور است که شایع کردن انواع "عملیات سایه" قانونی عبارت است از خرید مجدد دارائیها به شکل اوراق بهادار (معاملات «رپو»). بنابر این، در جریان بحران اعتباری جهانی، لیمن برادرز، یکی از بزرگترین بانکهای وال استریت، به واسطه عملیات «رپو»، ۵۰ میلیارد دالر از دارائی «مشکلدار» خود را موقتاً از ترازنامه پاک کرد. بانک سعی کرد استواری و اعتبار خود را بدینوسیله به سرمایه گذاران نشان دهد.

برخی عملیات، حذف نه تنها موقتی، حتی دائمی دارائی های «مشکلدار» از ترازنامه را مجاز می سازد. از میان آخرین سری آنها، عملیات موسوم به ایمن سازی (securitization م.) به ویژه ابعاد گسترده ای به خود گرفت. اصل ایمن سازیها عبارت از این است که بانکها نیازهای اعتباری (دارائی های اعتباری) خود را به اوراق بهادار تبدیل می کنند و آنها را از طریق شرکت‌های واسطه ویژه، به بازارهای مالی عرضه می کنند. چنین کمپانیها را، طبیعتاً، خود بانکها تأسیس و کنترل می کنند. بانکها با مخلوط کردن اعتبارات دارای کیفیت مختلف، به واسطه کمپانیهای ویژه به عمده فروشی نیازهای اعتباری مبادرت می نمایند. کمپانیهای ویژه نیز این مخلوط دارای کیفیت ناشناخته (اغلب با کیفیت پائین) را در «بسته» های اوراق بهادار «بسته بندی نموده» و مخلوط را در بازارهای مالی به صورت خرده فروشی به سرمایه گذاران ساده لوح می فروشند. این روش، درست شبیه «فروش گربه در کیسه» است. درست با همین روش، پایه های اقتصاد امریکا در دهه گذشته «مین گذاری» شد. وامهای مسکن بانکها پس از تبدیل شدن به اوراق بهادار مسکن، مثل کیک داغ به بازارهای سهام عرضه شدند. همه چیز با بحران سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به پایان رسید. چنین است شرح مختصر ایمن سازی که در کتابهای درسی آن را به عنوان «بزرگترین دستاورد» «مهندسی مالی» مدرن جا می زنند. الگوریتم های عملیات مشروحاً تفسیر می شود، ولی ماهیت جعلی آنها افشاء نمی گردد. ۹۹ درصد

ایمن سازی دارائی های بانکی به عوامفریبی مبتذل و به موازات آن به بحران می انجامد. اما بانکها ظاهراً بی هیچ تقصیری، تمیز از آب درمی آیند.

بانکداری سایه، کمیته ثبات مالی و بانک محاسبات بین المللی

پس از بحران سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بسیاری از کشورها مقررات سفت و سختی را برای کار انواع مختلف مؤسسات مالی در بازار بورس به کار بستند. این اقدام برای جلوگیری از رشد وزن مخصوص عملیات سایه در گردش کل نهاد های مالی- بانکی کافی بود، ولی برای متوقف ساختن رشد حجم مطلق "عملیات سایه" کفایت نمی کرد. همانطور که تجربه نشان می دهد، هر چه الزامات افشای اطلاعات و اجرای نیازهای مختلف تنظیم کنندگان سختگیرانه تر می شود، پولهای به همان میزان بیشتری به سوی بخش "بانکداری سایه" سرازیر می شود. بنا بر این، قدرتهای اقتصادی مجبورند در میان سیسیل و شاریبیدیس مانور انجام دهند: از یک سو، به منظور ممانعت از خروج کامل پولها از «سایه»، روند تنظیم بخش بانکی را به حد بی معنی تقلیل ندهند، و از سوی دیگر، سرچشمه مخاطرات سیستم را که دقیقاً در اساس نظام مالی نهفته است، کنترل کنند.

گمان می رود که مسأله "بانکداری سایه" در اجلاس سران گروه بیست در سال ۲۰۱۳ در سن پترزبورگ مورد بحث قرار بگیرد و کمیته ثبات مالی قصد دارد با پیشنهاد دایر بر مبارزه با "بانکداری سایه" در این اجلاس شرکت کند. در پایان، مختصری در باره کمیته ثبات مالی. هدف رسماً اعلام شده این کمیته، عبارت است از ایجاد هماهنگی بین اقدامات قدرتها و مؤسسات مالی ملی و بین المللی برای بررسی و اجرای تدابیر ناظر بر تحکیم ثبات مالی در مقیاس جهانی. این تدابیر، دیده بانی، تنظیم و اعمال نظارت از سوی قدرتهای مالی بانکها و دیگر سازمانهای فعال در بازارهای مالی (سهام، ارز، اعتبار، پول و بیمه) را شامل می شود. ریاست کمیته ثبات مالی را در حال حاضر مارک کارنی (Mark Karney)، مدیر بانک مرکزی کانادا بر عهده دارد.

دبیر خانه کمیته ثبات مالی در ساختمان بانک محاسبات بین المللی در بازل مستقر است. کمیته ثبات مالی عملاً یکی از واحدهای بانک محاسبات بین المللی، سازمان هماهنگ کننده فعالیتهای بانک مرکزی کشورهای مختلف شمرده می شود. کمیته نظارت بر بانکداری که توصیه نامه هائی به منظور جلوگیری از ورشکستگی جمعی بانکها و بحرانهای بانکی به بانکهای مرکزی و دیگر تنظیم کنندگان مالی ارائه می دهد، در چهارچوب بانک محاسبات بین المللی عمل می کند. این توصیه نامه ها در اسناد حجیم تحت عناوین «بازل ۱»، «بازل ۲» و «بازل ۳» نگهداری می شوند. توصیه های بانک محاسبات بین المللی مبنی بر نظارت بر بانکداری، عملاً از نظام سارقانه رباخواری موجود، از این نظام موجد بحران در جهان حفاظت می کنند و همچنان به محافظت از آن ادامه می دهند (مثال- بحران مالی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹) و این، یک مسأله شگفت انگیز نیست. زیرا، بانک محاسبات بین المللی، سازمانی است که خود بزرگترین رباخواران جهانی تأسیس کرده اند. البته، این واقعیت، موضوع بحث دیگری است. فقط به طور مختصر می توان اشاره کرد که بانک محاسبات بین المللی در کنار نظام ذخیره فدرال امریکا، تشکیلات کلیدی نظام مالی جهان به شمار می رود.

به نظر می رسد، بانک محاسبات بین المللی قادر نیست وظایف محوله به این سازمان را انجام دهد. چرا که عملکرد بانک محاسبات بین المللی در مدت سه سال و نیم از زمان تأسیس، کمترین مانعی در مقابل رشد "بانکداری سایه" در جهان ایجاد نکرده است.

*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر انجمن پژوهشهای اقتصادی روسیه بنام «سرگئی فیودورویچ شاراپوف»

<http://www.fondsk.ru/news/2013/02/01/shokirujuschie-dannye-o-mirovom-bankovskom-biznese-18936.html>

۱۷ بهمن - دلو ۱۳۹۱